

گلاریژان

شعر کُردی

پری رنجبر (کلرین)

کتاب
چاپ

نشر گلچین ادب



سرشناسه: رنجبر سید، بی، ۱۳۳۵-
عنوان و نام پدید آورنده: سران/پری رنجبر سرچقایی (کارین)
ویراستاری فنی؛ داراب گلچین
مشخصات نشر: کرمانشاه: گلچین ادب، ۱۳۵۷-
۲۱۳ص.

ISBN: ۹۷۸-۶-۸۹۰۰-۴۶-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: گردی

موضوع: شعر کردی - - قرن ۱۴

Kurdish poetry - 20th century موضوع:

شناسه افزوده: گلچین، داراب، ۱۳۵۷- ویراستار

۸فا۹/۲۱

PIR۳۲۵۶

۶۰۲۶۱۷۱

کتاب شناسی ملی



نشر گلچین ادب

adabgol@gmail.com

golchin.darab@yahoo.com

T:09.89280225

گلاریژان شعر وردی

پری رنجبر (گردین)

داراد گلچین	ویراستاری فنی:
داراد گلچین	صفحه آرایی و طرح جلد:
گلچین ادب	نشر:
۱۰۰۰ نسخه	شمارگان:
اول ۹۹	نوبت چاپ:
۳۵۰۰۰ تومان	قیمت:

978 - 600 - 8900 - 46 - 7

فهرست

- مقدمه / ۳
معجزه / ۷
شیرین و فرهاد / ۲۰
سنگ و آب / ۶۸
سوتک / ۸۱
یاد مدرسه / ۸۵
کرد / ۹۰
به یاد روستایم / ۹۵
پرنده نجات / ۱۰۲
کار گردون / ۱۱۲
گفت و گوی شبنم و انار / ۱۲۴
ضامن آهو / ۱۳۱
کله پیر / ۱۳۴
ستاره بختیم / ۱۴۴
شاکه و خان مسیور / ۱۵۲
طاله من / ۱۷۰

یه روز اگر بچیدن / ۱۷۷

یاد ایل / ۱۷۹

درویش / ۱۸۱

به یاد پدر و مادرم / ۱۸۴

لیلی و مجنون / ۱۸۹

www.ketab.ir

سخن ناشر

بنام او که داراست و دارایی اش همیشه بر مردمان ندار و دارا به یکسان می ریزد اما اگر تو به قدر سعی آن نمی بایی همانا ندار بودن مردمان داراست که بر نداران بی دارایی راز دینی کرده و آنان دریغ می دارند. او که داشتش بر تو همه خیر است و رفعت را اما به شرطی که آن را دریایی چرا که در یافتن به یافته ها رسی و آن مردمانی که بر دارا و ندارایی این جهان فانی خود را آویخته اند راه را از آن جهت می شناسند که اگر دارا شوند بر آنان محبت داشته و اگر ندار بر آنان غضب و افسوس که این مردمان خدای را نشناخته و به آن بی برده اند چرا که او بر همه کس و همه چیز به یکسان می نگرد و به مول مجدد خوافی می فرماید:

مومن و کافر و ترسا و جهود
جمله در قسمت ما یکسانند

رزق ایشان به ضرورت بر ماست
از فضولی همه سرگردانند.

پس آن یزدانی را بر دیده نهیم که هیچ کس را نه برای طاعتش و نه برای بی طاعتی اش در نظر خویش تفاوتی بر آنان وارد نمی سازد بکه این تفاوت هم اگر بر عقل خاکی مردمان سنجیده شود همانا بر شناخت اوست و اگر او را دریابی به جای رفیع روی و اگر دریابی در قعر فرو می مانی.

شعر کردی شعری ست غنایی بر گرفته از احساسات و حماسه سرایی و آن چه که این سخن بر می خیزد و این گونه در طی سالیان دراز بوده و هست چرا که در مجموعه های شعری به یادگار مانده از گذشته بر وقوف آن به کامل اقصای شایم و این است که در مجموعه هایی نیز بر روال شاهنامه سرایی بشمار رود و شاهنامه های کردی نیز در طی دروان به زبان شیرین و پر مغر کردی به جا مانده است. و به قول ماموستا مصفا بگی در دیوان خود این گونه از زبان کردی سخن می راند و در شعری که سخن و جوابی از یکی از غزلیات حافظ است بیان می دارد که:

که لامي حافظ نه ر دل سنجه، نه ما کوردی و ا چاکه
که بر نظم تو افشاند فلک عقد ثریا را

زبان کردی پیشینه ای دارد به بلندای تاریخ و از ادوار و زمان هایی سخن می راند که هنوز در آن وادی بسیار زبان ها به گونه ای شایسته پرورده نشده بودند و در خامی به سر می بردند اما این زبان کوردی بود که از ایام مادها و قبل از هخامنشیان به منصفی ظهور آمده بود. زبان کوردی

دارای زیرمجموعه هایی است که هر یک مربوط به مکانی و مردمانی خاص است و از آن جمله می توان به سورانی، کرمانجی، هورامی، کلهری و... اشاره کرد.

در این مجموعه از زبان هورامی وام های زیادی گرفته شده و البته قبل از هر چیز این را عنوان دارم چون در منطقه ی کرمانشاهان آن گونه که باید، آنند مناطقی از سنج و بانه و یا ارومیه رسم الخط زبان کردی به سادگی توسط مردم این دیار نه خوانش دارد و نه فهم بیشتر لذا در این جا ما بر آن شدیم تا زبان را با انتقال واژگان به گونه ای ساده تر بیان کنیم و آنان را به حتی بر رسم الخط زبان کردی اجحاف ندارند می توانند آن را به خوانش در آورند و بهره ی خویش را بگیرند.

در این اشعار خانم پرست رنجور از سیار واژگانی استفاده کرده که شاید در برهه های پیش رو رو به فراموشی نهاده و به گونه ای در زبان و تکلم مردمان این دیار کاربردی امروزی نداشته باشد در حالی که این واژگان خود هر یک سندی از زبان کردی و به مغز و نقض بودن این زبان را می رسانند و البته این نکته ی بارز و مهم در اشعار خانم رنجور است و ما نیز تاکید بر آن داریم تا با هر چه بیشتر کاربرد این واژگان و بازنده سازی آنان بتوانیم ای واژه ها را از دستبرد تاریخ دور نگه داشت و همواره زنده و پویا بر سر زبان ها رانده شود. امید است که این مجموعه هر چند اندک خدمتی به زبان کردی کرده باشد و توانسته باشد البته از دید خوانندگان گرانقدر جای شغفی در بطن آنان به وجود آورد. در این اشعار سخن از عشق و محبت و بی وفایی و رنج و یاد ایام داشتن به میان آمده است و هر یک به نوع خود برای خواننده می تواند طعمی

دیگرگون داشته باشد و به قولی هر گلی بویی دارد. پس بیایید ورق
زنیم این دفتر پر از فراز و شیب دوران را و از آن باغ میوه‌هایی که با
طبع خویش سازگار است و خوش خور بچینیم و بیش از این سخن به
درازا کشاندن جایز نیست چرا که از حوصله خارج می‌گردد. و به قولی:

کم گوی و گزیده گوی چون در

تا ندک تو جهان شود پر

فرخ روز و فرخ کام و فرخ روح و فرخ اندیشه باشید.

داراب گلچین